

حرف آخر در نفت حرف مردم ایران است

(در باره روش سازشکارانه ایران در کنفرانس اخیر اوپک)

نقش خائنه دولت عربستان سعودی ارزیابی کم و بیش واقعی بعمل آورده اند. نقل اظهارات فوق آتیم پس از شش ماه، مورد پیدانی کرد اگر در کنفرانس اخیر اوپک در سوئد، که روزهای ۲۱ و ۲۲ تیرماه ۱۳۵۶ تشکیل شد، دولت ایران و نماینده آن روش مشابهی در پیش نمی گرفت. لیکن باید گفت، که در کاخ السالشیویان در سوئد دولت ایران و نماینده آن آموزش روشی بدتر از دولت عربستان سعودی و یمنی در پیش گرفت. در کنفرانس اوپک در سوئد آموزش کار، نه فقط روش زکی یمنی دنباله در صفحه ۲

پوشی و بستگی های مشکوک خود را با منافع شناخته شده آمریکا مد نظر قرار داد و آنچه استاد اول گفت بگو، را اظهار داشت.

روزنامه «اطلاعات»، در شماره های ۲۷ و ۲۹ آخر ۱۳۵۵، شش ماه قبل، در تفسیر های گوناگون با این عنوانها روش دولت عربستان سعودی را در کنفرانس اوپک در حوجه افشا میکند. نظیر همین عبارات را میتوان از دیگر روزنامه های آموغ ایران در تفتیح اقدام دولت عربستان سعودی دائر به امتناع از پذیرش تصمیم اکثریت اوپک در زمینه افزایش قیمتهای نفت شاهد آورد. باید انصاف داد که آموغ جراید گوش به فرمان از

«زکی یمنی ستون پنجم کمپانی های نفتی است». «یمنی از پشت به اوپک خنجر زد». «یمنی در قطر تصمیم خود را عوض کرد و به مخالفت با افزایش قیمت بهلی نفت پرداخت. یمنی علت این تغییر تصمیم را «آخرین دستورهای دریافتی» ذکر کرد و هم اکنون گفتگو برپا نیست که «آخرین دستور های دریافتی» چگونه و بچه ترتیب باعث تغییر موضع عربستان گردیده. شیخ یمنی در قطر درک و بدون پرده

مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

نه سازمانها و گروهها و هواداران و مبارزان راه آزادی و استقلال ملی، همه مخالفان رژیم استبدادی - ساواکی محمد رضا شاه

هدفهای فرعی نمایند و حاضرند، چنانکه حوادث اخیر نیز نشان داده است، حتی برخی از مهره های سرشناس رژیم را با مهره های دیگر عوض کنند تا باین حساب ناخبرستنی متراکم مردم فروکش کند.

هواداران آزادی و استقلال ملی باید متوجه باشند که استبداد سیاه محمد رضا شاهی تنها با برانداختن ستاد اصلی آن که ستاد دوزخی محمد رضا شاه و تمام دستگاه سیاه اجرائی است، ریشه کن خواهد شد. بیرون راندن این با آن مهره بازی و تعویض آنها با مهره های دیگر را نمیتوان و نباید تغییر در سیاست رژیم تلقی کرد. تغییر اجباری مهره ها باید تنها ما را در مبارزه برای برکنار ساختن سایر مهره های مؤثر تا حد برانداختن گرداندگان اصلی رژیم استبدادی پیگیر تر و مصمم تر سازد.

دوین شیوه رژیم در این عقب نشینی اجباری، شیوه جنگ و گریز است. باین ترتیب که رژیم خواهد کوشید گزند پذیری دستگاه ترور و اختناق خود را هر اندازه ممکن است پنهان سازد و اینطور وانمود کند که هنوز با همان قدرت گذشته بر مرکب سوار است و میتواند از هر سو جولان دهد. رژیم میکوشد از یکسو دندان نشان دهد و خود را قدرتمند وانمود سازد و از سوی دیگر با مانور عقب نشینی حتی نقاب انساندوستی و دموکرات منشی بر چهره زشت و جنایت بار خود بزند. رژیم اگر ببیند که جنبش مردم پایه هنی اساسی اش را بخطر می اندازد، در اولین امکان مساعد، بار دیگر شدید ترین واکنش ساواکی خود را، برای زهرچشم گرفتن از مبارزان بکار خواهد انداخت. در این زمینه تنها پایداری مبارزان و استادگی و فداکاری برای هدفهای آزادی و ملی میتواند نقشه دشمن را نقش بر آب کند.

رژیم استبداد، دواطلبانه و بنا به خواست خود یا از روی احترام به آزادی، عقب نشینی نمیکند. دنباله در صفحه ۲

یستان مبارز، هم میهنان گرامی! رژیم استبدادی شاه، پس از سالها جنایت و غلبه منافع ملی و آزادی مردم، مجبور شده که یک مانور عقب نشینی دست زند. یکروشه درونی جامعه ایران و همچنین تأثیر نیرومند ت دوران اخیر اوضاع جهان، که مستگیری آن تغییر تناسب نیروها بسود آزادی و صلح و ایسم، بسود پیشرفت جنبش های آزادپیش و طلبانه ملی و بزیان امپریالیسم، و ارتجاع بوده موجب عینی این سانور عقب نشینی اجباری را ساخته است. باین ترتیب شرایط برای مبارزه ن آزادی و استقلال ملی هم اکنون مساعد تر حصوصرتیکه این نیروها بتوانند به بهترین شکلی امکانات بهره برداری کنند، این شرایط هر اعد تر خواهد گردید.

برای آنکه هواداران آزادی و استقلال ملی و ن استبداد سیاه محمد رضا شاه بتوانند از این ن بعد اکثر ممکن بهره برداری کنند، باید دشمن را خوب دریافت و در برابر آن تاکتیک، بارزه خود را بدستی تنظیم کرد. این روش تنها بر پایه پنهان ترین گرد هم آبی نیرو های رژیم، پیدا کردن ضیقترین نقطه جبهه دشمن کو نیروها در این نقطه از جبهه، بهره برداری پیروزی برای تشدید فشار به دشمن با هدف ازپا و ریشه کن کردن استبداد سیاه کنونی، باشد.

در این مانور عقب نشینی اجباری، رژیم استبدادی ای حفظ پایگاههای اساسی اعمال قدرت خود، مدد شیوه های زیرین را بکار خواهد بست، «فرب دادن نیروهای مبارز از راه منحرف آنان از هدف اساسی مبارزه و متوجه ساختن آنان ی تغییرات سطحی و بدون ریشه. در این راه ندگان رژیم استبدادی شاه خواهند کوشید با وسائل عظیم تبلیغاتی خود مردم ناراضی را متوجه

مبارزه با سیاست تسلیحاتی رژیم شاه یک وظیفه ملی است

سیاست ضد ملی و خائنه رژیم شاه پرده بومیبارد. از جمله روزنامه نیویورک تایمز (۱۵ ژوئیه ۱۹۷۷) می نویسد که دولت آمریکا برای آن به دولت ایران پیشنهاد فروش هفت «آواکس» را کرده است که نیروی هوایی آمریکا نیز بتواند «آواکس» را بخرد؛ قضیه از این قرار است: نیروی هوایی آمریکا میخواهد ۳۱ «آواکس» در اختیار داشته باشد. ولی به علت گرانی آن (قیمت یک «آواکس» ۱۷۰ میلیون دلار است) نمیتواند سالانه بیش از سه «آواکس» بخرد. از جانب دیگر برای شرکت «بوئینگ» (سازنده «آواکس») تولید سه «آواکس» در سال صرف نمیکند ولی اگر ایران سالی سه «آواکس» بخرد، آنوقت «بوئینگ» امکان خواهد داشت که به تولید «آواکس» ادامه دهد و دولت آمریکا هم امکان دنباله در صفحه ۲

سیاست تسلیحاتی رژیم شاه با شدت هرچه تمامتر ادامه دارد. بدنبال خبر مذاکره برای خرید «آواکس» (مردم، شماره ۱۸۴)، مطبوعات انگلیسی از معاملات جدید اسلحه بین ایران و انگلیس خبر میدهند. از جمله روزنامه فاینشال تایمز (۱۴ ژوئیه ۱۹۷۷) خبر میدهد که ایران در برابر پرداخت ۳۵۰ میلیون لیره پول نقد، کشتی جنگی از کمپانی «یارو» خریده است. علاوه بر این، مذاکره برای ایجاد کارخانه اسلحه سازی در نزدیکی اصفهان، به مبلغ ۷۰۰ میلیون لیره، که قطع شده بود، دوباره بین ایران و شرکت های «ویبی» و «لینگ» از سر گرفته شده است. خود دولت انگلستان نیز در ایجاد این کارخانه اسلحه سازی شرکت خواهد داشت. در مورد خرید «آواکس» (سیستم اکتشاف و جهت یابی متحرک هوایی) نیز اطلاعات جدیدی در مطبوعات آمریکا منتشر شده، که بار دیگر از عمق

فرخننده باد سالجشن انقلاب مشروطیت ایران!

نویسندگان «مردم» جشن هفتاد و یکمین سال انقلاب بزرگ مشروطیت ایران را بهمه رفتی حزبی و همه دموکراتان عزیز صمیمانه شادباش میگویند. در این شرایط که شاه «نظام فرماندهی



شاهنشاهی، یعنی استبداد را جانشن مشروطیت ساخته و حتی همه جهان را به پیروی از شیوه ناهنجار استبداد دعوت میکند، باد مشروطیت و اریه معنوی و سن آن اهمیت اصولی بزرگی کسب مینماید. مبارزه در راه مشروطیت، مبارزه در راه قانون اساسی، این گرانبهارترین دستاورد و خونهای مشروطیت، به مسئله روز مبدل میشود. قانون اساسی ایران شاه را غیر مسئول اعلام داشته و مسئولیت را مشترکا از آن هیئت وزیران دانسته و آنها را مجاز نکرده



ستار خان - سردار ملی

حیدر عمو اخلی - گرد مشروطیت

است که به اتکاء دستورهای کتبی یاشقاهی شاه گرجن خود را از مسئولیت رها سازند. تمام کسانی که در خیانت ها و جنایت های رژیم استبداد و ترور و اختناق، نقش اساسی را ایفا کرده اند و میکنند، باید سبکینی این مسئولیت را که قانون اساسی یادآور شده است احساس کنند. اکنون قشرهای مختلفی از مردم، هر یک بشیوه و در حد امکانات خود، وارد مبارزه برای احیاء سنن مشروطیت شده اند. جا دارد که این مبارزه بین همه قشرها در همه شهر ها و روستاهای ایران گسترش یابد. جا دارد که وحدت عمل کلیه مبارزان راه آزادی و

علیه استبداد پدید شود، تا بتوان به شب طولانی استبداد محمد رضا شاهی بسود احیاء موازین قانون اساسی و حقوق بشر پایان داد.

آئین نامه ضد کارگری انضباط هم نمیتواند جلوی گسترش مبارزات اعتصابی زحمتکشان را بگیرد

از روز یکم مرداد ماه سال جاری باصلاح آئین انضباطی کارگران در واحد های تولیدی و بمرحله اجرا درآمد. فرعین ۶۰ طرح جدید کار نیز انتشار یافت که در ماده ۶۰ آن مقررات کارگران در دوازده مورد ذکر گردیده است. بر اینها طرح ششمنه کارگری هم از سوی کار تهیه شده، که بر پایه آن اتفاق بازرگانی و معادن و سازمان کارگران با همکاری وزارت روشهای اجرائی خاصی را برای تنظیم، جابجایی انسان از یک مؤسسه تولیدی به مؤسسه تولیدی پیش بینی و اعمال خواهند کرد. منظور که از مطالب روزنامه ها و اظهار نظرهای مسئولان وزارت کار میتوان فهمید، هدف از همه اینها گویا افزایش تولید و بالا بردن بهرهوری، تمام این تلاشهای ضد کارگری، وحشت ندگان رژیم و سرمایه داران بزرگ را از ش مبارزات اعتصابی کارگران در سالهای اخیر

بروشتی میتوان دید. روزنامه ها نوشتند که از اول مرداد ماموران انتظامی، سر کارگران و سرپرستان ارشد چهار چشمی مواظبت تا کارگران مختلف را به پلی میز و کمیته رسیدگی، یکشانند. آئین نامه انضباطی که جزئیات آنرا وزیر سابق کار در «کمیسیون شاهنشاهی» تشریح کرد، طوری تنظیم شده که میان مست کردن در محل کار و عریه کشی و دزدی که مربوط بهمنابر لومین شده و مجازات با مبارزه در راه تحقق خواستههای عادلانه که اکثریت کارگران در آن شرکت میکنند علامت تساوی بگذارد و کارگران آگاه و مبارز را بگناه «بی حرمتی به مافوق» و «سرپیچی از انجام وظایف و مسئولیت های محوله» باخراج از کار تهدید کند.

کارگران وزحمتکشان ایران از روی شم طبقاتی جنبه های ضد کارگری این آئین نامه را علیرغم پرده دنباله در صفحه ۲

مرگ بر تولید کنندگان بمب نویترون!

کارتر رئیس جمهور امریکا که سیمای حقیقی خود را پشت پرده «دفاع از حقوق بشر» پنهان کرده بود، با صدور فرمان تولید بمب نویترون در امریکا چهره زشت خود را بهتر عیان کرده و وسائل قتل عام بشر را با سلاح تازه ای تکمیل میکند. اکنون میتوان گفت کمپلیکس نظامی - صنعتی امریکا با پنهان شدن شش شش سر کارتر به استقرار یکی از مهره های گوش فرمان خود در مقام ریاست جمهوری امریکا نائل آمده است.

کارتر با روشن کردن چراغ سبز برای تولید بمب نویترون مسابقه تسلیحاتی را، که نظیر آن در گذشته دیده نشده بود، آغاز کرده و بزرگترین خطر را برای همه جهانبینان برای امنیت بین المللی و صلح جهانی فراهم می آورد. در برابر چنین تهدیدی نمیتوان ساکت و آرام نشست. باید با تمام قوا برای حفظ و تقویت صلح، ادامه روند تشنج جهانی، مهار کردن انحصارات امپریالیستی تولید کننده سلاحهای مرگنا و خنثی کردن توطئه های که امپریالیسم امریکا علیه استقلال و آزادی ملل جهان به آن دست زده است به مبارزه برخاست. مرگ بر تولید کنندگان بمب نویترون! مرگ بر نیروهای امپریالیستی که می خواهند بغافل از منافع غارتگرانه خود جهان را به پرتگاه نیستی و انهدام سوق دهند.

آئین نامه ضد کارگری...

پوشی های موزیانه پلافاصله درک کردند و نظریات اعتراض آمیز خود را بیان نمودند. کارگران بر این عقیده اند که عبارت کشتار «بی حرمتی به مافوق» میتواند دستاویز مناسبی برای تضييق علیه کارگر شود. در حالیکه مطابق عرف همین نظام توهمین و ناسزا گوئی به زیردستان امری است عادی. سرمایه داری بزرگ ایران میخواهد از آزادی مطلق و یکجانبه برای غارت و توهین و بازی با سر و دست خانواده های کارگری برخوردار باشد. بدون اینکه واکنشی ببیند و از گل ناز کتر بشود. در طرح جدید قانون کار گفته میشود که کارگری حتی اگر «خارج از محیط کار گاه بعمل آید» توهمین آمیز یا هتاک و فحاشی یا تهدید نسبت به کارفرما یا اعضای خانواده وی میباید ورزد و سزاوار اخراج است. اما در مورد رفتار کارفرما کوچکترین اشاره ای در قانون وجود ندارد.

کارگری به خبرنگار کیهان چنین گفته است: اکثر مواردی که منجر به ایجاد اختلاف در کارگاه میشود صرفاً جنبه کاری دارد. مثلاً یکی از دو نفری که برای انجام یک مرحله از کار لازم است قیاس میکنند یا مرخصی میروند و سرپرست انتظار دارد که کارگر به تنهایی آن کار را انجام دهد ولی از نظر کارگر عملی نیست. به گفته این کارگر باید افزود که نه تنها مسئله نظام تولید و افزایش آن و بار آوری کار بطور مستقیم با مدیریت کارخانه و وضع اقتصادی کشور مربوط است و تابع تشدید بهره کشی از کارگران نیست، بلکه چه بسا دستور های غلط سرپرستان و کارفرمایان برای کارگر خطر ناقص عضو شدن و مرگ را نیز در بر دارد. روز دوازدهم مرداد پنج کارگر ساختمانی ایران بر اثر فروریختن یک بنا جان خود را از دست دادند. در حالیکه پیش از انجام کار در مسرتانه خطر موجود را به کارفرما یادآور شده بودند ولی او اعتنا نکرد و دستور داده بود کار آغاز شود. آییننامه انضباطی برای این موارد و تمام موارد دیگری که حرف و نظر کارگر برای امتناع از انجام دستوری، محقانه است نه برای او و نه برای سندیکی کارگری هیچگونه حقی قائل نشده است. بهترین معرف سوء نیت دولت و وزارت کار ترکیبی است که برای «کمیت رسیدگی» در نظر گرفته اند: مدیر کارگزینی، نماینده تام الاختیار کارفرما و مدیر فنی کارگاه باصافه نماینده کارگران و

نیام کمیته مرکزی حزب توده

رژیم در اثر فشار همه جانبه مجبور به این مانور عقب نشینی شده است و همه عواملی که این فشار را موجب شده اند در حال رشد هستند و تشدید فشار از طرف رژیم، پایه عینی برای عمر درازمدت چه در درون ایران و چه در میدان سیاست جهان ندارد. آزادخواهان و میهن پرستان و سایر مخالفان استبداد احمد رضا شاه باید از هر سو بر فشار خود علیه پایه های اساسی رژیم اختناق بیفزایند. تنها با تشدید فشار و مبارزه در همه جبهه ها و با بهره برداری از امکانات درونی و جهانی میتوان دشمن را دچار سراسیمگی ساخت و امکان مانور های موزیانه را از او گرفت. باید همه نیرو های ناخشنود جامعه را برای خواستهای ویژه آنها با خواستهای همگانی مردم به مبارزه کشانید و در این زمینه بخصوص به مبارزه علیه کارگر که نیروی اصلی میدان مبارزه برای آزادی و استقلال ملی و پیشرفت است توجه کرد. نیروی عظیم چند میلیونی طبقه کارگر ایران که از فشار زندگی پست و زجر آورده و زیر چکمه آدمکشان ساواک و زنجیر قوانین ضد کارگری رژیم دست و پا میزند هر روز بیشتر برای مبارزه در راه بهبود شرایط زندگی، آزادی سندیکی، آزادی انتخاب نماینده، آزادی اعتصاب، نیروی راننده جاسوسان ساواک از کارخانه آماده تر میشود و باید این مبارزه را هر چه بیشتر تشویق و تجهیز نمود و متشکل ساخت.

باید همه قشر های دیگر ناخشنود جامعه را (دهقانان، تولید کنندگان کوچک و متوسط شهری، سرمایه داران ملی که زیر فشار رقابت شرکتهای بزرگ وابسته به دربار و امپریالیسم له میشوند و هر روز بیشتر بسوی ورشکستگی میروند) به مبارزه دعوت کرد.

سومین شیوه دشمن برای جلوگیری از پیشرفت مبارزان راه آزادی: برای نگهداشتن پایگاههای اساسی رژیم استبدادی تفرقه اندازی است. رژیم استبدادی شاه و یاران امپریالیست و صهیونیست در این زمینه تجربیات زیادی دارند و خواهند کوشید این بار هم که پایه های استبدادی غارتگرانه شان با خطر روبرو میشود، همه این تجربیات را بکار برند.

رژیم ممکن است بکوشد با وعده و وعید و دادن برخی امکانات کارعلنی به برخی از نیرو های هوادار آزادی. این نیرو ها را از نیرو های عمده تری از مبارزان سرسخت و پیگیر ضد رژیم جدا سازد - به یکی نقل و نبات و به دیگری گزله و زنجیر ببندد. رژیم ممکن است بکوشد مانند همه دستگاههای ارتجاعی جهانی، بویژه از حربه ضد کمونیستی و ضد توده ای بحدال الله بهره برداری کند و از ابتداء در جبهه مخالفان خود شکاف اندازد و آنان را یک یک سرکوب کند. تجارب تمام جنبش های آزاد خواهانه و هوادار پیشرفت در سراسر جهان و به میث ما ایران همواره شاهد این واقعیت تاریخی هستند که اگر آزادی در جامعه ای همه گیر نشود، شدت گردن پذیر است و به آسانی از طرف ارتجاع سیاه از پای در خواهد آمد. این تجربه نشان داده است که ارتجاع سیاه غالباً با شعار ضد کمونیستی سراغ سرکوب آزادی میروند. نیرومندترین ضامن برای نگهداری آزادی، آزادی برای همه خلق است. تنها خلق آزاد میتواند از سنگرهای آزادی دفاع کند و آنها را از دستبرد نیرو های سیاه در امان نگه دارد.

سندیکا. با در نظر گرفتن اینکه بقول کارگران نماینده کارگر و سندیکا در اکثر موارد هر دو شان منتخب کارفرما و تحمیلی هستند، آنوقت چه کسی از کارگر دفاع میکند؟ تازه در یک کمیته پنج نفری بفرض هم که کارگران دو نماینده واقعی خود را بفرستند، اگر نیروی مبارزه دسته جمعی و فعال کارگری پشت سر آنان نباشد آراء صابره بضرر کارگران خواهد بود.

پس تکیه را باید درست بر آن چیزی گذاشت که رژیم و سرمایه داران از آن وحشت دارند: اتحاد و مبارزه دسته جمعی برای تحقق خواستهای مردم. تمام واقعیات جامعه کنونی ما حاکی از آنست که طبقه کارگر روز بروز از آگاهی طبقاتی بیشتری برخوردار میشود و با وقوف بر نیروی عظیم خویش مبارزه سازمان یافته تری را برای تحقق خواستهای اقتصادی و سیاسی خویش بکار میگیرد. اینگونه تلاشهای مذبوحانه نمیتواند طبقه کارگر ایران را از مبارزه برای گرفتن حقوق قانونی خویش و اجرای نقش تاریخی خود بازدارد. ک. پور آذر

مبارزه با سیاست تسلیحاتی رژیم

خواهد داشت احتیاج نیروی هوایی امریکا را به آواکس، تامین کند و همچنین وقت خواهد داشت مشکلاتی را که برای فروش ۲۷ «آواکس» به دولتهای عضو «ناٹو» وجود دارد، از بین ببرد. بزبان ساده: ایران از امریکا «آواکس» میخرد برای آنکه شرکت «بوشینگ» سود ببرد و نیروی هوایی امریکا صاحب «آواکس» بشود! آری بهمین «سادگی» است که رژیم شاه ثروت ملی ایران را بر باد میدهد تا هم ماشین جنگی امپریالیسم امریکا بحرکت خود ادامه دهد و هم سوداگران مرگ سود ببرند. بهمین «سادگی» است که رژیم شاه در مسابقه تسلیحاتی تحمیل شده از جانب امپریالیسم امریکا شرکت میکند و موجودیت میهن ما را بغیر میاندازد. و همه اینها برای آنست که رژیم شاه بتواند به سلطه شوم خود بر مردم ایران ادامه دهد.

رژیم شاه وانمود میکند که سیاست تسلیحاتی برای «دفاع از استقلال ایران» است. ولی واقعیت هر روز بیش از روز پیش نشان میدهد که سیاست تسلیحاتی شاه بزرگترین خیانت به استقلال و منافع ملی ایران است که در تاریخ میهن ما سابقه ندارد. لذا مبارزه برای قطع سیاست تسلیحاتی رژیم شاه یک وظیفه ملی است که هر میهن پرست ایرانی میباید آنرا با تمام نیروی خود و تأیید به پیروزی ادامه دهد.

م. انوشه

سرکوب و بزدلی کشیدن نیرو های تودهای همواره گام نخست در راه سرکوب سایر نیرو های هوادار آزادی و استقلال ملی بوده است و در آینده نیز چنین خواهد بود.

با آشنائی به این واقعیت تاریخی است که حزب توده ایران همواره و بدون تزلزل لزوم اتحاد همه نیروهای آزادی خواه، میهن پرست و ضد استبداد را برای برانداختن رژیم سیاه ساواکی محمد رضا شاه گوشزد کرده و آمادگی خود را برای همکاری در چنین جبهه متحدی بمنظور تامین آزادیهای دمکراتیک و استقلال ملی اعلام داشته است.

تنها چنین جبهه متحدی میتواند از پشتیبانی همه طبقات و قشرهای هوادار آزادی و استقلال ملی و از همه امکانات مساعد برخوردار باشد و دشمن را گام بگام بسوی تنگنای افراد براند و بطور ریشه ای به استبداد سیاه ساواکی محمد رضا شاه پایان بخشد. حزب توده ایران از این خشنود است که میبند هم اکنون گلهای اول برای وجود آمدن چنین جبهه ای برداشته میشود. ویژگی رویدادهای هفته های اخیر در ایران که نماینده گسترش جنبش اعتراضی پهنواری علیه استبداد رژیم هستند، در اینست که همانگونه که خواست برافکندن استبداد خواست راستین مبارزه در شرایط کنونی است، همانطور هم مستگیری در جهت وحدت عمل نیروهای ضد استبداد مستگیری تعیین کننده و بدون تزلزل همه نیروهای مبارز علیه رژیم استبداد است و شرکت کنندگان در این مبارزه میکوشند اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک میان خود را در درجه دوم اهمیت قرار دهند و در راه هدف مشترک، به عمل مشترک دست بزنند.

روی سخن ما در این پیام بویژه به آن نیروهای هوادار آزادی و استقلال ملی است که هدفگیرهای سیاسی و اجتماعی حزب ما را تأیید نمیکند - به آن اختلاف دارند. همانطور که تجربه کشورهای که مدهای مولانی زیراستیالی حکومتهای فاشیستی و استبدادی بسرمیبرند نشان داده است، در کشور هم جنبش تودهای یک جنبش عمیقاً ملی و خلقی است که از امکانات عظیم بالقوه و بالفعل برخوردار است و بدون شرکت این نیرو و بطریق اولی با دشمنی با این نیرو امکان بلست آوردن آزادی و تأمین استقلال ملی ممکن نیست. دشمنی با حزب توده ایران بسود دشمنان آزادی و استقلال ملی میهن، بسود بقایایه های استبداد کنونی است و به رژیم سیاه ساواکی شاه امکان میدهد که با مانورهای موزیانه مواضع اساسی خود را در انتظار رسیدن لحظات مساعد تازه تر و برای حمله نوین ارتجاعی در امان نگه دارد.

دوستان و هم میهنان مبارز! فشار خود را به پایه های اساسی استبداد محمد رضا شاه هر روز بیشتر کنید! مبارزه را با پیگیری گسترش دهم! متحد شویم و با این اتحاد هر گونه سلاح دشمن را از دستش بگیریم!

تشدید مبارزه، پایداری و پیگیری و اتحاد نیرو ها ضامن پیروزی جنبش آزادیخواهانه و استبداد ملی ماست.

حرف آخر در وقت حرف مردم ایران است

را در جلوگیری از افزایش قیمت نفت از اول ژوئیه کرد، بلکه درباره قیمت گذاری آینده نفت داشت که موی با پامانی موافق است، که این در سال آینده نیز افزایش نیابد.

جملاتی که در آغاز از «اطلاعات» نقل حاکمی از آنست که تصمیم دولت عربستان س کنفرانس دوحه «دستوری دریافتی» بوده، شیخ در قطر مرگ و بدون پرده پوشی وابستگی های خود را با منافع شناخته شده امریکا مد نظر قرار داد و از پشت به او یک خنجر زده، است. خوب متوجه است که اکنون همین عبارات با عمیقتری در باره روش اخیر دولت ایران در ک او یک صادق است.

دولت ایران با اتخاذ روش کنونی بسود امپریالیسم امریکا و کارتل نفت در کنفرانس او یک در سوله جانی به او یک وارد آورد. روش دولت ایران و قرار آن در کنار دولت سعودی باعث گردید زمینه عربستان سعودی به پیوستن به اجرای کامل تصمیم بست گردد و دولت گوش فرمان سعودی که منفر بود از افراد درآید. این روش هم چنین میگردد که مجموعه او یک در امر استیضای حقوق در برابر تورم شتابان در غرب و افزایش قیمت کا صنعتی در بازار امپریالیستی در موضع آسیب پذیری قرار دولت ایران هنگامی بسود امپریالیسم و چنین روشی اتخاذ کرد که او یک برای دفاع از اعضا خود در نفت از امکانات بالقوه بازهم مساء برخوردار است. اعضا او یک در صورت حفظ وحدت اتخاذ مشی قاطع و کنار گذاشتن سیاستی طلبانه، نه فقط میتواند با موفقیت از حقوق خود کند، بلکه قادرند به تحقق خواست دیگر کشور در حال رشد تولید کنند مواد خام نیز کمک

مقبول دارند. روش دولت ایران در کنفرانس او یک در تنها بازگشت به ادامه سیاست تسلیم در مشاعفه قیمتهای نفت نیست. در سوله دولت ایران مجموعه سیاست نفتی ضد ملی خود را آشکار است. این سیاست، سواي مسئله قیمت نفت که منافع عمومی کلیه کشورهای نفت خیز ارتباط میکند، هم چنین شامل سازشهای پنهانی جدید با و کنسرسیوم میگردد. قرار بود در پایان سال پالایشگاه آبادان تماماً در اختیار شرکت ملی ایران قرار داده شود. اکنون صحبت از ادامه کنسرسیوم بهمت بیشتری بر این پالایشگاه است یکسال و نیم قبل دولت ایران رسماً مسئله تجدید در قرارداد فروش نفت به کنسرسیوم را اعلام نه حتی مسئله فروش انحصاری نفت خام به کنسرسیوم مفتی شده دانست. بجای تثبیت حقوقی و قانونی ادعای آل نوری قرارداد خفانه فروش نفت، اکنون صحت از مسکوت گذاشتن و یا تمدید همان قرارداد به از سازی است که قرار است بین «آرامکو» و عربستان سعودی بعمل آید.

چنانکه دیده میشود روش دولت ایران در تنها از پشت به او یک خنجر زدن، نیست، بلکه دست زدن به خیانت به مصالح ملی در مقیاس عظیم منظور «راضی» سلختن امپریالیسم امریکا و کارتل غارت جهانی نفت است. روش دولت ایران و نماینده آن در کنفرانس او یک انفعال یا خواست مردم ایران مغایرت دارد که حتی روزنامه های زیر سانسور هم بدفاع از آن نیستند. تصادفی نیست که روزنامه زیر سانسور نیز در تفسیرهای خود پیرامون نتایج کنفرانس او یک متذکر میشوند، اما بهرحال - آموزگار حرف آخر ایران نبود.

آری حرف آموزگار نمیتواند حرف آخر باشد. حرف آخر در وقت حرف مردم ایران است. مردمان ایران خواهان پایان دادن به نروغ تسلط غارتگر کارتل و امپریالیسم بر نفت ایران و اتخاذ موضع پیگیر از حقوق کشورهای نفت خیز هستند.

م. جهان

کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۷ مرداد ۱۳۵۶